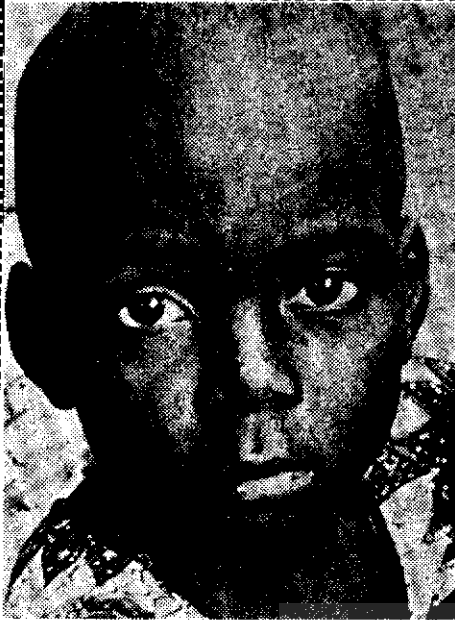


ایران و اسلام

(۵۸)

داود الهامی



## خطر نژاد پرستی

با احیای خصایص قومی و ملی ، در میان مسلمانان ، قدرت جهانی اسلام از درون متلاشی گردید و بازنده شدن حس قوم پرستی که در اسلام مرده بود ناگهان خلافت وسیع اسلامی به چندین قطعه تجزیه شد .  
و گذشته درس عبرتی است برای امروز ! . . .

### رسالت جهانی اسلام

برخی از یهودیها و دشمنان اسلام ادعا می کنند (۱) که رسالت پیامبر اسلام ، عمومی و جهانی نبوده ، بلکه اومیعیوت شده بود ، قوم خود (عرب) را هدایت کند ولی پس از آنکه پیشرفتی در کار خود احساس کرد تصمیم گرفت که دعوت خویش را به همه ملل گیتی تعمیم بدهد . واضح است که این حرف ، یک تهمت ناجوانمردانه ای بوده نه دلیل قاریخی دارد و نه با اصول و مبانی اسلام ، سازگار است . این قرآن ، منبع احکام و سند اسلام می باشد که از هر کلمه و جمله آن ، بانگ جهانی بودن اسلام بلند است حتی از آیاتی که در اوایل بعثت نازل شده ، جنبه جهانی بودن اسلام ، بخوبی استفاده می شود .

۱ - در تفسیر المنار ج ۷ ص ۶۲۱ و فی ظلال القرآن جزء ۷ ص ۳۰۳ نسبت این

تهمت به یهودیها داده شده است .

(۴۱۱)

سال نوزدهم شماره ششم

مثلا از جمله آیاتی که در اوائل بعثت نازل شده است ، این آیه است : « ان هو الاذکر للعالمین » (۲) این قرآن نیست مگر یک تذکر و بیدار باش برای تمام جهانیان و این نص صریح قرآن است که اسلام یک رسالت عمومی و جهانی است و اختصاص به یک قوم و ملت ندارد این مطالب از قرآن مجید به چندوجه استفاده می شود :

الف - در قرآن آیاتی است که تصریح می کنند که رسالت پیامبر اسلام عالمی است و خداوند او را برای هدایت تمام مردم جهان فرستاده است و اکنون چند نمونه از این آیات :

۱ - **قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا (۳)**

بگو ای مردم . من فرستاده خدایم بسوی همه شما .

۲ - **وما ارسلناک الا رحمة للعالمین (۴)**

ترا نفرستادیم مگر برای این که بر جهانیان رحمتی باشی .

۳ - **وما ارسلناک الا کافة للناس بشیرا و نذیرا (۵)**

ترا نفرستادیم مگر این که مؤده دهنده و بیم کننده تمام مردم باشی

ب - بیشتر خطابات قرآن با الفاظ عمومی است و این خود دلیل قاطع و واضحی است

که رسالت قرآن عمومی و همگانی است :

۱ - **یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم**

**تتقون (۶)**

ای مردم . پروردگارتان را بپرستید ؛ آن پروردگاری که خلق کرد شما و کسانی را

که پیش از شما بودند تا از پرهیزگاران باشید .

۲ - **یا ایها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم فآمنوا خیر الکم (۷)**

ای مردم . شما را پیغمبری برآستی از جانب پروردگارتان آمد پس ایمان بیاورید که

برای شما بهتر است .

۳ - **یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم**

ای بشر ! چه چیز ترا به پروردگار مهربان و اداره طغیان و نافرمانی کرده است

۲ - سوره تکویر آیه ۲۷

۳ - سوره اعراف آیه ۱۷۵

۴ - سوره الانبیاء آیه ۱۰۷

۵ - سوره سباء آیه ۲۷

۶ - سوره بقره آیه ۲۰

۷ - سوره نساء آیه ۱۶۸

ج - احکام و قوانین اسلام عنوان عام دارند و از رنگ بخصوصی عاری هستند مثلاً در حق کسانی که اشاعه فحشاء می کنند : می فرماید :

۱ - کسانی که دوست دارند فحشاء در میان مؤمنین شایع شود برای آنها درد دنیا و آخرت عذاب دردناکی است « (۸) »

۲ - در قاتون اسلام برای زناکاران حد معین شده است :

« به هر يك از زن و مرد زناكار صد تازیانه بزنید » (۹)

۳ - زیارت کعبه رابر کسانی واجب کرده است که استطاعت داشته باشند

« هر کس از مردم استطاعت داشته باشد لازم است حجی بجا بیاورد (۱۰) »

در قرآن مجید هیچ جا ، خطابی بصورت « یا ایهاالعرب » یا « ایهاالقرشیون » پیدانمی شود . در برخی جاها خطاب « یا ایهاالذین آمنوا » هست که مطلب مربوط بخصوص مؤمنین است و هر کس از هر قوم و نژادی باشد می تواند ایمان بیاورد و مشمول خطابات « یا ایهاالذین آمنوا » واقع شود (۱۱)

### اسلام و نظریه « جهان وطنی »

يك مطلب دیگر که موید جهانی بودن تعلیمات اسلامی است ، این است که اسلام به حد و مرز جغرافیائی قایل نیست و تمام جهان را يك کشور دانسته و می فرماید : « یا عبادي الذین آمنوا ان ارضي واسعة فايای فاعبدون » ای بندگان مؤمن من ! زمین من وسیع و پهناور است هر کجا می خواهید باشید ، پس مرا ستایش کنید .

چون واحدهای اجتماعی ، خانواده ، قبیله ملت و ملیت ، نوعی احساسات و تعصبات بوجود می آورد احیاناً در واحدهای بزرگتر از ملت یعنی قاره و منطقه نیز ممکن است این احساسات پیدا شود آسیائی به اروپائی اروپائی نسبت به آفریقائی ، اروپائی به آمریکائی سفید پوست نسبت به سیاه پوست فخر و مباهات کند بدین جهت اسلام مرز اسلامی را روی عقیده استوار کرده تا تمام اختلافات قبیله ای ، زبانی ، نژادی و امثال اینها از بین برود .

۸ - سوره نور آیه ۱۹

۹ - همان سوره آیه ۲

۱۰ - سوره آل عمران آیه ۹۲

۱۱ - درباره عمومی و جهانی بودن اسلام مراجعه شود به کتاب « اسلام دین جهانی

و جاودانی » تألیف نگارنده

سال نوزدهم شماره ششم

در اسلام هیچ نژادی بر نژاد دیگر برتری ندارد ، اسلام از هر نظر ساده و بی رنگ است . مقیاس های اسلام کلی و جهانی است و بر اساس فضائل انسانی از قبیل علم و تقوا و پاکی است بلکه اسلام با تعصبات ملی سخت نبرد کرده مردم را به خدای واحد و اسلام واحد و قرآن واحد دعوت کرده است برای همین بود قدرت و نفوذ سیاسی قوم عرب بیش از یک قرن نپائید . ملت های دیگر را نیز فرا گرفت ، یعنی احساسات نژادی و زبانی و . . . بکلی مغلوب گردید . ملت هایی که اسلام بر آنها عرضه شد آنچنان اسلام را در آغوش گرفتند که خود خدمتگزار اصلی و مبلغ و مروج این دین در میان سایر ملل و از آن جمله ملت عرضه کننده یعنی «عرب» درآمدند و توانستند جهان را زیر نفوذ خود قرار دهند .

آری حکومت بزرگ اسلام ، همچنان روبه توسعه بود و از مرز هند تا آخرین نقطه شمال آفریقا ، اسپانیا و مرز فرانسه همه جا ، بانگ موذن بر مناره شنیده می شد « **یک زبان** » و « **یک دین** » می خواست استقرار پذیرد و وحدتی نو ، می رفت تا جای نشین کثرتی فرسوده شود و اتحادی مقدس در جای پراکندگی و تضادی جایگاه ، چهره نماید .

### خطر تعصبات قومی و محلی

سوگمندها ؛ دولت این وحدت ، دیری نپائید جامعه اسلامی ، پس از یک پیشرفت سریع و بی سابقه به تندی نیز دستخوش تضادها ؛ شکاف ها و اختلافاتی درونی گردید ، سیاست تبعیض نژادی اعراب ، باعث شد اقوام مختلفی که اسلام را پذیرفته بودند ناگزیر همبستگی ها و تملق های قومی ، نژادی فرهنگی و محلی خود را حفظ نمایند این همبستگی های ابتدائی که زمینه واکنش روحی و حتی جهان بینی اقوام مختلف را پیشاپیش پی ریزی کرده بود در برخورد ها گروهی و تصادم منافع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آنان ، بزودی موجب پیکار های اجتناب ناپذیری گردید (۱۲) قطع نظر از نهضت های تساوی جوئی و پیکار با تبعیض نژادی ، و شاخه های افراطی آن که صورت « نهضت عجم » و « ضد عرب » بخود گرفت ، اصولا بر اثر روی کرد اقوام مختلف به اسلام ، بارو حیه ها ، عادات ، رسوم گوناگون خود بخود چهره ی واحد اسلام دستخوش تنوع و دگرگونی گردید . اقوام جدید در گرایش به اسلام ؛ سنت های قومی خود را نیز به آئین تازه ، داخل ساختند و بدان رنگ اسلامی بخشیدند ، از این روی اسلام ، در آفریقا ، در ایران ، در هندوستان و در اندونزی در عین برخورداری از یک نوع وحدت ، و وجوه

۱۲- در این باره مراجعه شود به کتاب «دیباچه ای بر رهبری» صفحه ۳۴۸ - ۳۴۹

مشترك ؛ سیمایی مشخص و دگرگون یافت (۱۳)

مثلاً شما اگر آبی را از سرچشمه بگیرید و آن را به چند قسمت تقسیم نموده و هر قسمت را در ظرفی قرار بدهید ، قهری است که آب در هر ظرفی به رنگ آن ظرف خود را می‌نماید . ولی اگر ظرف‌هایی رنگ باشد و آب از آنها رنگ نگیرد آب در همه ظرفها « خودرنگ » است و رنگ دیگری ندارد . دین اسلام هم مثل آب است اگر رنگ محیطها و نژادهای مختلف به آن سرایت نکند در هر منطقه‌ای و در میان هر قومی به رنگ خود ثابت باشد در هر جا ملاحظه کنید يك چهره بیشتر ندارد ولی اگر در هر محیطی رنگ آن محیط را بخود گرفت قهری است که در محیطهای مختلف و در میان نژادهای گوناگون سیمای متفاوتی خواهد داشت.

آری سیاست‌های ضد و نقیض بنی‌امیه و بنی‌عباس، در میان مسلمانان ، واکنش و عکس العمل افراطی به وجود آورد و ملت‌ها بر علیه یکدیگر تحریک شدند و سعی کردند در محیط اسلامی مشخصات قومی و ملی خود را حفظ نمایند و چه بسا با جعل احادیثی به آنها رنگ اسلامی زدند (۱۴) در نتیجه در هر منطقه از مناطق اسلامی ، آداب و سنتهای مختلف قومی نیز زنده شد و چه بسا در بعضی از مناطق ، جای آداب و رسوم و سنن اسلامی را فرا گرفت بطوری که برای نسلهای بعدی تشخیص این که کدام از اسلام است و کدام از اسلام نیست ، مشکل گردید فی‌المثل ایران خودمان را در نظر بگیرید با این که ایرانی در طول تاریخ ، پیش از هر ملت دیگری به اسلام راستین و فاداراست ، باز يك سلسله آداب و رسوم قومی در جامعه ما هست که سنت گرایان و کهنه پرستان قرن معاصر را به طمع انداخته که بگویند : « هنوز هم در ایران میان مسلمانان ایرانی از عهد کهن باقی مانده در شب چهارشنبه آخر سال در خانه و بازار و کوچه آتش می‌افروزند و از روی آن می‌گذرند و همیشه وقتی که چراغ روشن شد ، بی‌اختیار به آن سلام و تعظیم می‌کنند و قسم (به سوی سلیمان) که مقصود شعله آتش یا چراغ است بسیار معمولی است . . . » (۱۵)

۱۳ - در این باره مراجعه شود به کتاب « وحدت و تنوع در تمدن اسلامی » تألیف جمعی از خاورشناسان

۱۴ - مثلاً نوروز که يك عید ایرانی است ، بعضی‌ها می‌خواهند با اسلامی کردن آن ملیت و مذهب را با هم جوش بدهند مراجعه شود به روایاتی که درباره نوروز نقل شده است .

۱۵ - ادبیات مزدیسنا ج اول صفحه ۵۰۷ - ۵۰۸

سال نوزدهم شماره ششم



آنکس که درسیاهی واهی  
در عمق موج های رذالت  
دراوج جذبه های تباهی  
در کشاکش مرموز و سوسه انگیز رفتن و ماندن  
ماندن و گنبدیدن  
ماندن و پوسیدن  
با درکی از اصالت انسان  
به خویش می رسد اما ، دوباره می رهد از «خویش» زندگانی پربار و پرنمری را .  
او یک «شهید» و آیت حق است .

« شهید » ؛  
با خون گرم خویش .  
در کالبد قسمرده ی یک نسل  
روح امید می دمد و شور تکاپو  
اندام سرد جامعه ی بی رمقی را  
روح حیات می دهد و گرمی شور آفرین شهادت  
« شهید » با مرگش  
آغاز می کند .

از هزاران راه .  
می‌توان به مرگ .

- این نقطه‌ی پایان زندگانی هراسان ؛  
این فرجام مشترک عمرها -  
رسید .

اما .

« باید چگونه مرد ، تاجاودانه زیست » (۱)  
« شهید »

این نمونه‌ای انسان خودآگاه  
بامرگ انتخابی خون رنگ خویشتن  
در دفتر هزار برگ شب قدر

زنده بودن خود رابه ثبت می‌رساند و جاوید می‌شود  
بر جلوه‌ی دروغی این زندگانی آلوده با هزار ننگ و مذلت  
خط بطلان سرخ ، می‌کشد ، از خون ؛  
« شهید » ،

نبض تند « رهائی » هست  
همواره می‌طبد ؛

در امتداد نسل‌ها و قرن‌های پیاپی .  
« شهید »

همراه با دمیدن هر صبح

همراه با تنفس هر لاله در دل صحرا

همراه با وزیدن هر باد بر سبتر سینه‌ی هر کوه

همراه با تلاطم هر موج

همراه با نشستن هر قطره‌ای بلران به چهره‌های گلبرگهای بهاری

با غرش مداوم هر رعد ، در شکوه سپهر کبود فام

زنده‌است و زنده ساز و حیات آفرین

« وجود زنده‌ی جاوید » هست « وحی و حاضر و ناظر »

« شهادت » ،

خود مکتبیست که آموزگار آن ، شهید .  
به ملت خود ، درس می دهد :

« چگونه باید زیست »

« چگونه باید مرد »

« شهادت » ،

از خود گذشتن است و ز خود رستن

از خود گسستن است و به روح جامعه پیوستن  
پذیرش آغوش مرگ سرخ و خویش را به مرگ سپردن

راهی دراز را ،

از « خاك » تا « خدا »

از « هیچ » تا « همه »

با يك جهش ؛ سریع ، سپردن

« تزریق خون به پیکره ی اجتماع » مرده و بی خون

و روح بخشیدن

و پرتو افکندن

و نور پاشیدن

و « زندگی » در « مرگ »

و . . . بهترین مردن !

« شهید » ،

با جهاد و شهادت

رسالت سنگین خویش را

در راه پاك رهانیدن از جنون جهالت

انجام می دهد

و خفتگان بستر یاس سیاه را .

بیدار می کند .





شخصیت امام موسی صدر

۹

معمای

ناپدید شدن وی



از آنجا که امام موسی صدر از بنیانگذاران و از اعضای فعال هیئت تحریریه مجله مکتب اسلام بود و مقالات ارزشمندش در این مجله، مورد علاقه همگان بود لازم دیدیم گوشه‌ای از شخصیت و خدمات ایشان را منعکس سازیم و از همگان بخواهیم که تلاش خود را برای یافتن این شخصیت بزرگ اسلامی افزایش دهد.

شخصیت علمی و سیاسی و مذهبی امام موسی صدر از جهات مختلف بر همه مسلم است گفتگو و اظهار نظر پیرامون وجود او نقش حساس رهبریش در لبنان بویژه مسأله ناپدید شدنش در سفر لیبی و ارتباط آن با نهضت ضد طاغوتی ایران، از بحث‌های داغ محافل خبری روز بوده و هست.

از همان آغاز ناپدید شدن و حتی شایعه قتل او، اقدامات وسیع از طرف مراجع عالیقدر شیعه بعمل آمده و تماس‌های مختلفی با سران کشورهای اسلامی و حتی با رئیس دولت لیبی برقرار شد.

حتی اقدامات و تلگراف آیت‌الله العظمی امام خمینی و آیت‌الله العظمی شریعتمداری و آیت‌الله عظمی گلپایگانی و آیت‌الله عظمی نجفی و... نتوانست معمای ناپدید شدنش را حل کند و نیز مسافرت اخیر (جلود) نخست وزیر لیبی به ایران و طرح مسأله ناپدید شدن امام موسی صدر بوسیله رهبر انقلاب هم نه تنها مشکل را حل نکرد بلکه هنوز هاله‌ای از ابهام توأم با اندوه

و نگرانی پیرامون آن باقی مانده و این پرشش که سرنوشت امام موسی صدر چه شد ؟ و به کجا انجامید ؟ هنوز بر سر زبانها باقی است و روزبه روز موج گسترده تری پیدا می کند . برای ترسیم شخصیت امام صدر کافی است که بگوئیم وقتی که وی به لبنان رفت مردم لبنان ، بویژه شیعیان آنجا که محور عظمت علمی و شخصیت سیاسی و انقلابی آیت الله سید شرف الدین بودند و فقدان این رهبر مجاهد نگرانی شدیدی پدید آورده بود . با دیدن این روحانی ، می گفتند : « رجع الینا شرف الدین شایا » مرحوم شرف الدین نه تنها نمرده است بلکه بانیر و روح جوان تری رجعت کرده است .

### انگیزه رفتن به لبنان

موقعیت سیاسی و جغرافیائی و نفوذ روح تمدن مادی غرب در لبنان ، آن را بصورت دروازه طلائی ، بازار مکاره در آورده و بیروت عروس شهرها و . . . لقب یافته بود . وجود اختلافات مذهبی و مکتبی و جناح های سیاسی مختلف و گروه های مسلح ، بویژه موضع و موقف آن در برابر اسرائیل غاصب و هم مرز بودن با آن ، لبنان را بصورت انبار باروت و کانون انفجار در آورده بود و همه اینها ایجاب می کرد که روحانی ورزیده و آگاه و مبارزی همواره زعامت شیعیان و مردم آنجا را بعهده بگیرد .

با وجود سنگردار بزرگ شیعه مرحوم شرف الدین ، کمبودی احساس نمی شد ولی رهبری شیعه در آینده حتی در حیات آن مرحوم بوسیله او و فرزنداناش مطرح بود و در سفری که برادر بزرگ امام صدر حضرت آیت الله سید رضا صدر (استاد فلسفه امام موسی) به آن کشور کرده بود به ایشان پیشنهاد شد و معظم له نپذیرفت سپس جریان با امام صدر مطرح گشت سرانجام پس از چند نامه و دعوت رسمی ، او تصمیم می گیرد که نخست بعنوان دیدن لبنان و بررسی اوضاع شیعیان و مسلمانان جنوب آن کشور به آنجا سفر کند . وی پس از چهار سال از فوت رهبر شیعیان لبنان در سال ۱۳۳۷ برای بازدید یکماهه ، وارد لبنان شد و هر چند تصمیم به ماندن نداشت و بقبول خودش با تصمیم بماندن غم های عالم بر او هجوم می آورد . لیکن پس از بررسی اوضاع لبنان و وضع نابسامان و آشفته شیعیان جنوب آن ، احساس و وظیفه مسئولیت می کند و می ماند !!

\* \* \*

پس استقلال لبنان به همت و الای علمای شیعه بالاخص زعیم بزرگ مرحوم شرف الدین که توانست مردم مسلمان لبنان را علیه استعمار فرانسه بسیج کند ، مسأله تدوین قانون اساسی کشور پیش آمد و در آنجا بازی گران و تعزیه گردانان و عوامل پنهانی استعمار بجای آنکه همه مسلمانان را در یک صف قرار دهند تا اکثریت از آن اسلام باشد ، آمدند جمعیت لبنان را به سه قسمت مسیحی ، سنی ، شیعه تقسیم کردند و به نسبت تعداد اکثریت ،

پست‌ها بصورت ریاست جمهوری ونخست وزیری و ریاست مجلس تقسیم گردید . ریاست جمهوری از آن مسیحیان ونخست وزیری از آن تسنن و ریاست مجلس از آن شیعه شد . این تقسیم غیر صحیح بود که بر قوه و قدرت مسیحیان در بیروت افزود و مسلمانان و بالاخص شیعه را بانزوا و محرومیت کشید .

سالیان درازی بود که شیعیان لبنان از طریق مجلات و جراید حقوق از دست رفته خود را مطالبه می کردند و این مظلومیت و کمک خواهی تا ورود امام موسی صدر بیانگر حقایق تلخی بود که شیعیان با آن روبرو می شدند .

یکی از گام‌های مؤثری که امام موسی صدر برداشت این بود که با اقدامات جدی و پیگیری های خاصی بسیاری از حقوق اجتماعی شیعیان را باز گرفت و این حقیقت از لابلای اقدامات برجسته او که هم اکنون بشرح آن می پردازیم بروشنی تجلی می کنند .

### فعالیت‌های سیاسی واجتماعی و مذهبی :

با ورود ایشان و اتمامش در شهر صور موج تازه‌ای از تحرك و فعالیت در آنجا پدیدار گشت

۱ - با اینکه در شهر صور سکونت داشت ولی هفته‌ای دو روز برای سخنرانی برای جوانان به مدرسه « عاملیه » به بیروت می آمد و این دبیرستان را بعداً به شکل دانشکده در آورد و بنام « دانشکده عاملیه » معروف گردید .

۲ - تأسیس مدرسه علمی و دینی مجهز برای طلاب شیعه در شهر صور .

۳ - تأسیس مدرسه حرفه‌ای در شهر صور بنام « مهنیه » شغل و کسب .

۴ - برای پیشگیری از مفاسد اخلاقی و فقر و فحشاء ، زنان و دختران را از جلو مغازه‌ها و فروشگاه‌ها که قهر آشخصیت اسلامی آنان را لکه دار می کرد ، جمع آوری کرد و با تنظیم برنامه‌ها ، از جمله تأسیس دستگاههای قالی بافی بوسیله مربیان آموزده ایرانی آنان را به حرفه و هنری آبرومند و ارزنده مجهز ساخت .

۵ - مهمترین کارهای وی شناساندن اسلام به جوانان و روشنفکران آن سامان بود که با نفوذ فرهنگ غرب و روح مادی گری ، از اسلام بیگانه بودند ، و منطق کمونیسم بعنوان قوی ترین منطق روز محسوب می شد ، و اسلام را ارتجاعی و خرافاتی می دانستند .

با منطق رسا و روشن گری‌ها او و برداشت‌هایی از اسلام راستین با الهام از قرآن و سنت و مکتب اهل بیت ، تفوق و برتری اسلام را بنحو بسیار روشنی ، آشکار ساخت .

یکی از جوانان می گفت : حرفهای شما بسیار عالی است ولی از کجا که از اسلام باشد ، چنین چیزی نشنیده‌ایم . در پاسخ فرمود : آیات و احادیث پیامبر و امامان که برای شما خواندم ، بهترین گواه زنده است که این مطالب از اسلام است .

۶ - تأسیس دارالایتام وی با تشکیل صندوق‌های اعانه در شهر صور به کمک افراد

ثروتمند و از محل درآمدش کارخانجات بافندگی و کارخانه برش آهن تأسیس کرد و گروه بی‌شماری از شیعیان را بکارگمارد به علاوه از درآمد آنها مدارس زیادی برای شیعیان تأسیس کرد. ۷- تأسیس مدینه‌الطب. این مرکز، اقدامات وسیع بهداشتی و درمانی را عهده دار بود و در بسیاری از قرا و قصبات شیعه نشین لبنان که سالها از همه چیز محروم مانده بودند) درمانگاه تأسیس کرد و مدرسه پرستاری هم که تأسیس شده بود، به این مرکز ملحق شد.

۸- رسیدگی به امور تمام قصبات و دهات شیعه نشین . . .

۹- تشکیل سازمانی بنام سازمان زنان، برای احیاء ارزش‌های زن مسلمان و سروسامان دادن به اوضاع نابسامان زنان بویژه زنان شیعه جنوب لبنان.

۱۰- تأسیس سازمانی بنام « جمعیت البر و الاحسان » این سازمان فعالیت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، و دینی و حرفه‌ای و . . . گسترده دارد و این دوسازمان فعلاً زیر نظر خواهرش اداره می‌شود.

اقدامات مهم سیاسی و نظامی او نمودار شخصیت بارز رهبری و مدیریت و دوران‌اندیشی و هوش سیاسی و نظامی او است که عبارت است از:

۱۱- تأسیس و تشکیل مجلس اعلاى شیعی که بمنزله مجلس شورا برای شیعه محسوب می‌شود. این مجلس نقش حساس و تعیین کننده دارد و کفه سنگینی در سیاست لبنان محسوب می‌گردد.

این مجلس مرکب از ۱۲ کمیته فرعی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اجتماعی و . . . می‌باشد که به فعالیت‌های مختلفی در داخل و خارج کشور ادامه می‌دهد که از جمله تهیه بورس برای تحصیل جوانان مسلمان در خارج از کشور می‌باشد.

۱۲- سازمان « حركة المحرومين » (جنبش بینوایان و مستضعفان) (۱)

۱۳- گروه نظامی (امل) ملخص (افواج المقاومة اللبنانية)

۱۴- گروه مسلح ویژه این سازمان و پیشگامان مرگ که بنام (قوات الحسين الانتخارية)

موسوم می‌باشند.

۱۵- همکاری‌های مستقیم و همه‌جانبه ایشان با نهضت مقاومت فلسطین، فعالیت سیاسی گسترده برای حل اختلافات سران عرب و تشکیل آنان در برابر صهیونیسم و دشمنان اسلام.

شرکت در کنفرانس‌های مهم اسلامی از جمله دو کنفرانس (ملتقى الفكر الاسلامى)

در الجزایر، و سخنرانی‌های مهم درباره عدالت اجتماعی و اقتصادی اسلام.

مسافرت‌هایش به کشورهای مختلف و شرکت در کنفرانس‌های مهم برای شناساندن

۱- این سازمان جناح‌های مختلفی دارد که جناح نظامی آن باختصار (امل) نامیده می‌شود

اسلام و شیعه بسیار مفید و روشنگرانه بود .

مباحث او درباره معرفی شیعه بیشتر در روزنامه « روزالیوسف » منتشر می گردید .  
 امام صدر از محبوبیت کم نظیری برخوردار بود تمام رؤسا و سران کشورهای اسلامی  
 برایش احترام خاصی قائل بودند خداوند لطف و نعمت را در حق او تمام کرده بود سیمای  
 جذاب و رشید، سیادت و ابهت ، کمالات معنوی و علمی و سیاسی و گیرائی چهره و رشادت ،  
 بیان جذاب و گیرا ، اصالت خانواده و هوش آگاهی او ، بینندگان به احترام و تعظیم وامی داشت  
 خلاء وجودی و رهبریشان در ایام ناپدید شدنش در جنوب لبنان ، چنان محسوس  
 است که هم اکنون عواجل و وابستگان پنهانی به اسرائیل ، جنوب لبنان را مستقل اعلام کرده اند !!  
 امام صدر در شعبان ۴۷ هجری قمری (۵۳ سال پیش) در خانواده مرحوم آیت الله  
 العظمی صدر یکی از مراجع بزرگ شیعه دیده بجهان گشود . (۲) دوران تحصیل علوم دینی  
 فلسفه و فقه و اصول را در محضر مراجع بزرگی چون آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله  
 عظمی شریعتمداری و آیت الله العظمی صدر و آیت الله العظمی محقق داماد و استاد علامه  
 طباطبائی و آیت الله خوانساری در قم طی کرد . و خود از اساتید فقه و اصول حوزه و از  
 بنیانگذاران و از اعضای برجسته اولیه مجله مکتب اسلام بوده است که مقالاتش تحت  
 عنوان اقتصاد در اسلام در شماره های سال اول موجود است .  
 وی سپس به نجف اشرف رفت و در نزد مراجع بزرگ آیت الله العظمی حکیم و آیت الله  
 عظمی خوئی و آیت الله شیخ صدرا ، تلمذ کرد .

او علاوه بر داشتن مدارج عالی علم و دینی در رشته اقتصاد از دانشکده حقوق ، تهران  
 لیسانس گرفته بود .  
 تلاش او بیشتر در زمینه های سیاسی و اجتماعی بود از این رو که تر به تألیف می پرداخت  
 و جز دو کتب بنام « اقتصاد در مکتب اسلام » و « اسلام و فرهنگ قرن بیستم » و مجموعه ای  
 از مقالات و سخنرانی ها ، از او سراغ نداریم .  
 در سال گذشته پس از چند بار دعوت سرانجام طبق دعوت دوات لیبی و شخص قذافی ، برای شرکت  
 در جشن نهمین سال استقلال (لیبی) به آن کشور رفت در این سفر بود که معمای ناپدید شدن  
 ایشان رخ داد .

او در مسافرتها حداقل روزانه یکبار با خانواده شان یا با مجلس اعلای شیعی تماس  
 تلفنی داشت ولی پس از ورود به طرابلس این رابطه قطع گردید ، طبق تحقیقات وسیع و اظهارات

۲- در سال ۱۳۰۷ شمسی در محله چهارمردان (محله عشقعلی قم) بدنیا آمد او با ۲۵

واسطه بجدش امام موسی بن جعفر منسوب می باشد .

بستگانش ، او ۳ روز پس از ورود به لیبی زندانی شده است قبل از آن در این سفر، چند جلسه با رهبر لیبی تشکیل داده بود .

جلسه اول - پیرامون مسائل جنوب لبنان بود که با موفقیت پایان یافت .  
جلسه دوم - درباره سیاست جهانی دنیای عرب و مخالفت با اقدام صلح سادات بوده که آنهم بخوبی پایان پذیرفت .

جلسه سوم - با اظهار نظر خاص رهبر لیبی درباره پیامبر و رسالتش در عصر حاضر بود که باشهامت و صراحت لهجه و ایمان راسخ امام موسی، روبرو می شود و خطر این طرز فکر را گوشزد می کند . و از همین جا بازداشت و سپس معمای ناپدید شدنش بوجود می آید .  
خانواده و بستگانش علیرغم شایعات غم انگیز، طبق تحقیقات مهم و اطلاعاتی که انجام گرفته ، به حیات ایشان و زندانی بودنش در لیبی یقین دارند .  
مکتب اسلام ضمن اظهار تأسف از حادثه ناگوار نسبت به ایشان امیدوار است که بزودی این فرزند برونمند اسلام و شخصیت والای شیعی هر چه زودتر از بند رها شده و به آغوش اسلام، ایران و لبنان باز گردد .



## دشمن خونخوار

این پرچم اسلام که امروز بلند است  
از همت و حریت مردی چو سهند است  
گر دشمن ما گشت فراری مگذارید  
چون صید گریزان شده از بند و کمند است  
ای خلق مسلمان همه از جای بجنبید  
هر جا که رود دشمن خونخوار، به بند است  
( ۱ - ر )

## شرانگیز

های بشکسته از آن به که بنا حق خیزد  
قطع دستی که بخواهد شرری انگیزد  
به هدر خون کسی باد که اندر همه عمر  
فکر و ذکرش همه آنست که خونی ریزد  
م - منتظر

## نامه‌ای از آمریکا از : حسین خسروسلفی

پس از سلام و درودهای گرم . . .  
 یادآور می‌شوم که در شماره ۱۲ سال هجدهم مجله محترم مکتب اسلام مقاله‌ای درج شده بود . تحت عنوان : «اوضاع شیعیان ایرانی» که گزارشی است در مورد ایرانیان در آمریکا . نویسنده نامه يك دانشجوی مسلمان است که چند سالی است که در آمریکا بسر می‌برد و کم و بیش مسائل و مشکلات را حس کرده است .  
 نظر خود را در این مورد بیان می‌کنم شاید مورد استفاده قرار گیرد و مشکلی از مشکلات مسلمانان حل گردد .

بطور کلی با نظر نویسنده مقاله آقای ج - م موافقم ، ولی باید دید آیا برای مشکلات شناخته شده کاری صورت گرفته یا در آینده صورت خواهد گرفت یا نه ؟

مشکل اساسی که مسلمانان آمریکا بویژه دانشجویان با آن روبرو هستند ، مشکل مالی است . نمیدانم چرا آقای ج - م هیچگونه سخنی از انجمن اسلامی دانشجویان در مقاله‌شان بزرگان نرانده ، به هر حال انجمن اسلامی دانشجویان که در سرتاسر آمریکا و کانادا فعالیت دارد از دانشجویان مسئول و فعالی تشکیل شده است که آقای دکتر یزدی در زمان اقامتشان در آمریکا آنرا سرپرستی می‌کردند .

بنابراین می‌بینیم از نظر کادر انسانی کمبودی وجود ندارد ؛ و یا اگر باشد بسیار ناچیز است . تمام فعالیتهای انجمن اسلامی دانشجویان از تکثیر کتاب و نوار تا اعلامیه و اسلاید و سرود از کمک مالی دانشجویان تأمین می‌گردد که گاهی اوقات بسیار ناچیز است .

انجمن اسلامی دانشجویان در نظر دارد مرکزی در هوستون بنام «خانه اسلام» تأسیس نماید که يك مركز فرهنگي ، تحقيقي ، تفریحي (سالم) و آموزشی اسلامی خواهد بود ولی متأسفانه با مشکلات مالی این عمل خیر به عقب افتاده است . با گشایش چنین مراکزی در شهرها و ایالات دیگر امکانات کافی برای تبلیغ و گسترش اسلام وجود خواهد داشت و جوانانی که به آمریکا وارد می شوند با مراجعه به این مراکز می توانند از امکانات لازمه استفاده کنند و از کمکهای برادران و خواهران مسئول جهت تهیه لوازم اولیه زندگی، خانه و کارهای دانشگاهی شان ، برخوردار گردند .

ایجاد چنین مراکزی از آلوده شدن جوانان تازه وارد به آمریکا جلوگیری خواهد شد . ضمناً اضافه می کنم که کتاب و مقاله و نوار اسلامی به اندازه کافی در اختیار ایرانیان قرار دارد و تنها نقص و یا ضعف موجود که احساس می گردد ، تعداد کم کتابها ، مقالات و نوارهایی به زبان انگلیسی می باشد که اکثر کتابهای موجود به زبان انگلیسی از طرف برادران اهل تسنن می باشد . با وجود مطالب کافی به زبان انگلیسی اشاعه اسلام بین آمریکائیان خاصه گروههای اقلیت سیاهپوست و مکزیکی یا مکزیکی زبان (اسپانیول) کار بسیار مشکلی نمی تواند باشد .

در پایان درخواست می کنیم که اگر مقاله یا کتاب یا نوشته ای بزبان انگلیسی دارید در دسترس ما بگذارید تا مورد استفاده قرار داده و در تبلیغ اسلام نقشی داشته باشیم .

## کار و کوشش

تن به کار و کوشش مردانه ده  
همچو مردان ضعف و سستی را بنه  
کاهلان را تیره باشد روزگار  
مرد کاری، روزش از هر روز به

## عامل قیام مسلحانه!

امام امیرمؤمنان به حاکم اعزامی به فارس چنین نوشت :  
استعمل العدل واحذر العسف والحيف فان العسف يعود بالجللاء  
والحيف يدعو الى السيف  
عدل و انصاف را بکار بند و از فشار و ستم و بی انصافی خود داری کن  
زیرا بی انصافی منجر به فرار و آوراگی می گردد ، ستم ، مردم را وادار به  
توسل به شمشیر و قیام مسلحانه می کند .  
از کلمات قصار نهج البلاغه شماره ۴۶۸



## مسئولیت

## مسلمان

امر بمعروف و نهی از منکر (۸)

یکی از دشمنیهای حکومتهای طاغوتی با انسانها و یکی از زیانهای که بر بشریت تحمیل کردند، این بود که: می کوشیدند تا جلو رشد و آگاهی جوامع را بگیرند و در تاریکی و جهل و نادانی مردم؛ به منافع خود دست یابند و به استعمار و استثمار آنان ادامه دهند! با هر که و هر چه که ممکن بود ملت را بیدار نماید و وسیله آگاهی و روشنی ملت باشد مبارزه می کردند، و مسیر اشخاص و اشیائی را که عامل و وسیله رشد و تبلیغ فضائل بودند تغییر می دادند و درست از آنان، برعکس هدف انسانی استفاده می کردند، افرادی را که وظیفه داشتند از تباهها و پلیدیها جلوگیری کنند، از کارشان وا میداشتند و تدریجاً به آنان تفهیم می کردند که: اصلاً وظیفه این نیست، مثلاً در کشور خودمان «ایران» در رژیم ضد انسانی پیش، علاوه بر اینکه، عموم مردم از اجرای امر بمعروف و نهی از منکر، ممنوع بودند، پلیس نیز حق نداشت این وظیفه را انجام دهد، در انجام يك کار ناپسند تنها انگامی پلیس حاضر می شد دخالت کند که شخص شکایت می کرد و گرنه در مقابل وی، عمل منکر انجام می گرفت و او هم فقط ناظر بود، و آنگاه نام این هرج و مرج حیوانی و زندگی جنگلی را «آزادی» و «دموکراسی» نهادند و این معنی را هم به افراد بی خبر تحمیل و تفهیم کرده به اجبار به آنان قبولانده بودند!

در ایران و بسیاری از کشورهای جهان، نه تنها به ارشاد جامعه و جلوگیری از مفاسد نمی پرداختند، بلکه هر کس این وظیفه انسانی را انجام می داد و احساس مسئولیت می کرد خائن و بی تمدن معرفی می شد و در مقابل، تنها کسانی راه «به اصطلاح» پیشرفت و ترقی برایشان باز بود که: در چاپلوسی و تملق و ثنا گوئی، تخصص داشتند و در ترویج مفاسد و منکرات و اشاعه فحشاء، خود سهیم بودند!

باخواست خدای متعال و رهبری پیشوایان بزرگ و وحدت و تشکل اصناف و طبقات مختلف جامعه، آن رژیم نابود شد و روش و منش گردانندگان آن هم، در زباله دان تاریخ افتاد و انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و جمهوری عدل اسلامی تشکیل یافت

### واکنون ما و انقلاب:

واکنون اسلام است و امت اسلامی، امروز خطیرترین روز های تاریخی ما است امروز پرمسئولیت ترین لحظات زندگی ما است، امروز در پیشگاه آزمایش تاریخ قرار گرفته ایم، امروز اسلام به ما نمی نگرد و جهانیان به اعمال و حرکات ما چشم دوخته اند، دوست و دشمن متوجه ما است. دوست می خواهد به خواسته ها و آرزوهای مشروعش برسد، دشمن می خواهد ثابت کند که: اینان نمی توانند کشور را اداره کنند! اسلام پیاده شدنی نیست، و از راههای گوناگون برای الغای اسلام و بی ثمر کردن انقلاب وارد می شود و با اشکال مختلف توطئه می کند... اگر ما به این خطرها و واقعیات توجه نکنیم و مسئولیت خطیر کنونی خود را احساس ننماییم، نه تنها خود در مهلکه افتاده به دام شیاطین خواهیم افتاد، بلکه لطمه جبران ناپذیری به اسلام و مسلمانان وارد کرده ایم.

امروز دنیا به اسلام چشم دوخته است و از دیدگاه زندگی ما به اسلام می نگرد، ما را اسلامی می داند، و بالاخره ما سبیل اسلامی هستیم، پس هر نوع حرکت و سکوت مانمایانگر ایدئولوژی اسلامی ما است، رشد فکری و آگاهی ما، یا غفلت و سستی و بی توجهی ما تنها به خود ما مربوط نیست، به اسلام؛ به مسلمانان و به حیات اسلامی مربوط می گردد، اگر ما با ناشیکریها و اعمال خود، یا با روش اخلاقی که مغایر باروح اسلامی باشد، باعث عدم اجرای احکام اسلام گردیم، به پیامبر اسلام، به قرآن، به اسلام و به مسلمانان خیانت کرده ایم، همچنانکه در گذشته بسیاری از مسلمان نماها، خیانت کردند باروش خود کاری کردند که اسلام را در نظر دشمن به گونه ای؛ مغایر آنچه که بود، منعکس شد، باینکه وجود این افراد، ننگ بزرگی برای اسلام و جامعه اسلامی بود، عملاً معرف اسلام شدند و خود را الگو معرفی کردند! در هر حال باید هشیار باشیم و آگاهانه بکوشیم تا با جبران زبانهای گذشته شناخت

صحیح اسلامی دردیگران نیز به وجود بیاوریم و دیگر ساکت و آرام نباشیم که باز به همان عذابها مبتلا خواهیم گشت که در گذشته برای خود خریده بودیم .

بارها گفته ایم : هرملتی که در مقابل ستمگریها ، آلودگیها ، مفاسد و ... سکوت نماید و از طریق صحیح و عاقلانه فریاد نکشد و به دنبال فریادش عملا امر به معروف و نهی از منکر ننماید ، افراد آن ملت ، پیکرهای بی روحی هستند که مانند مجسمه های کوکی ، فقط میتوانند تکان بخورند ولی نه تکان خوردن مفید و سازنده ، حرکتی بدتر از سکون ، بدتر از مرگ ، زیرا این حرکت و تکان هم به خواسته دیگری است ، نه خود او ! .

آنگاه اینگونه افراد و این نوع ملت ، مستحق و سزاوار ؛ استعمار و استثمار هستند می باید در سلطه و نفوذ افراد دیکتاتور و انسان نماهای «دومش» دست و پا بزنند و حق نالیدن و شکایت هم ندارند ، زیرا خود چنین خواسته اند (۱)

مولای آزادگان علی (ع) می فرموده : «کسی که بادل و دست و زبان خویش از پستیها و زشتیها و منکرات ، ابراز تنفر ننماید ، او همچون مرده ای است در میان زندگان» (۲)

روزی در حال ایراد خطابه و سخنرانی فرمود : « .. پیشینیان که به هلاکت رسیدند به این جهت بود که : مردم به گناهان و آلودگیها و مفاسد ، دست می زدند و دانشمندان و علماء آنان را از اعمال ناپسند ، باز نمی داشتند و نهی نمی کردند ؛ آنگاه بر اثر این که بزرگان و دانشمندان ، نهی از منکر نمی کردند ؛ مردم در مفاسد فرو رفتند و به کارهای زشت خود ادامه دادند ، سپس کفرهای الهی و مجازاتهای طبیعی بر آنان نازل شد ، پس «ای مسلمانان ! امر به معروف و نهی از منکر بنمائید و بدانید که انجام این عمل نه مرگ کسی را نزدیکتر می کند و نه روزی کسی را قطع می نماید ! (۳)

امام حسن عسگری (ع) از نیای بزرگش رسول اکرم (ص) نقل کرده اند که فرمود : خدای متعال به جبرئیل « فرشته وحی » امر کرد تا شهری را که مسکن کافران و تبه کاران

۱- در این مورد به کتاب «راه نفوذ در دلها» عنوان «آئینه دوست» مراجعه فرمائید

۲- مَنْ تَرَكَ إِتْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَوَيْدِهِ وَلسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ فَرُوعِ كَافِي ج ۵

ص - ۵۷

۳- ... أَمَا بَعْدُ فَإِنَّهُ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَيْثُ مَا عَمِلُوا مِنَ الْمَعَاصِي وَلَمْ يَنْهَيْهُمْ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ ذَلِكَ وَإِنَّهُمْ لَخَاتِمَادُوا فِي الْمَعَاصِي وَلَمْ يَنْهَيْهُمْ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ ذَلِكَ نَزَلَتْ بِهِمُ الْمُعْتَوَاتُ .. فَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَعْلَمُوا أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَنْ يُعْزِبَنَا أَجَلًا وَلَنْ يَقْطَعَا رِزْقًا ... مدرك قبل

بود باساکتانش در زمین فروبرد ، جبرئیل برای این که ضمن انجام وظیفه ، جهت آن رانیز  
 نهמידه باشد گفت : بارخدا یا ! آیافلان زاهدرا از این عذاب معاف دارم ؟ ! امر شد که :  
 اورا از همه زودتر نابود ساز ! عرضه داشت : پروردگارا ! او یک نفر عابد  
 و «زاهد» است من ممکن است من عقلت ، عبادات او را بدانم ! ! وحی شد که : ما  
 به او امکانات و توانائی دادیم ولی در عبادت او به شعری و نیتی از منکر نمی کند  
 و با کفران و بدکاران معاشرت و دوستی می نماید ! ! آنگاه احجاب پیامبر (ص)  
 که در محضرش بودند ، عرضه داشتند : در این صورت اگر ما صورت و توانائی برای نهی از  
 منکر نداشته باشیم چه رفتاری با ما خواهیم کرد ؟ فرمودند : به هر صورت که شده حتماً باید  
 امر به معروف و نهی از منکر نمائید و گرفتار و نادانان آماده آمدن عذاب باشید ! .  
 سپس اضافه کرد : هر کدام از شما هرگاه منکری را مشاهده نماید با قدرت و توانائی  
 باز و جلوی آن را بگیرد چنانچه قدرت این کار را داشته باشد باید با زبان و گفتن حق ، از آن  
 نهی و منع نماید و اگر توانائی این مقدار را هم نداشته باشد ، لازم است قلباً از آن عمل متنفر باشد  
 به گونه ای که خدای متعال بداند که او آن کار را زشت و ناپسند می داند (۱)

ملاحظه می فرمائید که : اسلام کوشیده است تا احساس مسؤولیت جزء وجود مسلمان  
 باشد و هرگز خود را بی طرف و غیر مسؤول نداند ، در هر صورت و در هر شرایط باشد باید  
 به وظیفه خویش ، توجه داشته اقدام به انجام آن نماید ولو تنها با انکار قلبی باشد ، زیرا  
 کسی که در دل از عملی یا موضوع و جریانی ، نفرت داشته باشد ، بالاخره درصدد ابراز تنفر  
 و جلوگیری نیز خواهد آمد منتهی فرصت مناسبی را می جوید .

نکته دیگر ، آنکه وظیفه علما و دانشمندان و افراد آگاه و مطلع و کسانی که توانائی  
 بر امر به معروف و نهی از منکر را دارند خطیرتر و مسؤولیتشان سنگینتر است ، آنان گمان  
 نکنند که : اگر ساکت ماندند و جلوی مفاسد و تبه کاری و منکرات را نگرفتند تنها فاسدان  
 و تبه کاران ، به فلاکت و بدبختی و سزای اعمال خویش خواهند رسید ؛ بلکه افرادی که  
 دانسته در مقابل آنان سکوت کردند و به مسؤولیتهای خویش توجه نداشتند ، نیز با آنان  
 نابود خواهند شد و آتش بیداد و فساد دامن اینان را نیز فرا خواهد گرفت .

باز می گردیم به مسؤولیت امروز مسلمانان ، مخصوصاً ماسلمانان ایران  
 همچنانکه در شماره قبل مطالعه فرمودید امروز دشمن از هر طرف درصدد ایجاد تفرقه  
 و نفاق و درهم شکستن انقلاب اسلامی ما است جلوی کارهای پیشرفت امور را می گیرد ،

۱- وسایل الشیعه ج ۱۱ کتاب امر به معروف و نهی از منکر باب ۳ روایت ۱۲

از بی‌خبری و سادگی برخی از مردم سوءاستفاده می‌کند... بهر گوشه کشور که می‌رویم به مشکلات جدیدتر و وظایف تازه‌تری برمی‌خوریم، اگر احساس مسئولیت نکنیم اگر نکوئیم، اگر آگاه نسازیم، اگر جلوی مفاسد و مفسده‌جویان را نگیریم، اگر کمک به برادران و خواهران خود ننمائیم، اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنیم و بالاخره اگر کناری بمانیم و تنها به زندگی خود توجه کنیم یا حتی منتظر تشویق و ترغیب و دستور باشیم، زیان جبران ناپذیری را متحمل خواهیم شد خدای ناخواسته، اگر ضد انقلاب و شیاطین در کار خود به پیش بروند، آنگاه این چنین نیست که يك طبقه و يك صنف از مازین برود و طبقه و صنف دیگرمان سالم بماند؛ نه همه را نابود خواهند کرد، آری مسئولیت امروز مسلمان بسیار خطیر است!

امید است عموم برادران و خواهران مسلمان، مخصوصاً علماء و فضلاء، طلاب ارزشمند و مجاهد، همچنانکه در این يك سال اخیر تمام زندگی خود را وقف انقلاب اسلامی نموده‌اند، از این پس نیز که ایام سازندگی و اثبات است؛ از پای نشینند و با احساس مسئولیت، آنان را هم که مسئولیتشان را «نشستن و ماندن» می‌دانند؛ نیز عاقلانه آگاه سازند. در اینجا توجه خواننده گرامی را به دو حدیث ذیل جلب می‌کنیم که رسول اکرم (ص) و امام صادق (ع) چگونه ما را به وظایف و مسئولیت‌هایمان متوجه نموده‌اند؟ و ما چگونه در پیشگاه خدا و خلق مسؤلم؟ و چگونه باید منتظر و اکنش اعمال خویش باشیم؟! .

امام (ع) فرمودند: «در میان بنی اسرائیل پیر مرد عابدی بود، روزی در حال عبادت متوجه شد که: دو کودک، خروسی را گرفته زنده زنده بال‌وپر آن را می‌کنند پیر مرد عابد، به عنوان اینکه مشغول عبادت است وقت ندارد، اعتناء نکرد و آنان را از این کار باز نداشت! «نهی از منکر ننمود»! خدای متعال به زمین دستور داد آن عابد را به کیفر این عمل «احساس مسئولیت نکردن و نهی از منکر ننمودن» فرورد، و زمین او را فرورد» (۱)

و قال رسول الله (ص): **لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُعَذِّبَنَّكُمْ اللَّهُ كَمَا لُعِيتَ عَصَايَ هَذِهِ بِعُودِ فِي يَدِي** (۲) رسول اکرم (ص) فرمودند باید امر به معروف و نهی از منکر بنمائید و گرنه خدای جهان، «نظام آفرینش الهی» پوست از بدن شما می‌کند همچنانکه پوست این عصای من کنده شده است! ..

۱- مستدرک الوسائل باب<sup>(۱)</sup> از امر به معروف و نهی از منکر روایت ۱۰

۲- مدرک قبل روایت ۸

# قدرت کلم

## الله اکبر

### هد جنبش ایران از هر عامل مؤثر تر بود

✽ متفکرین غربی با الگوهای غربی تغییر و تحولات جهان را بررسی می کنند و سرانجام به نتایج غلطی می رسند .  
✽ مارکسیستها نیز حرکت جوامع را تنها از دید محرکهای مادی و اقتصادی نگاه می کنند و به نیروی اختیارگروههای بیدار توجهی ندارند .

پژمان جامع علوم انسانی

« رضا آراسته دکتر روانشناسی که صاحب تألیفات و مقالات متعدد به زبان انگلیسی و فارسی می باشد در سال (۱۹۵۱) به آمریکا آمد و از همان هنگام ، بعنوان مشاور در مدیریت و نیروی انسانی به همکاری « بریستون » پرداخت وی در عین حال سمت استادی در دانشگاه تهران را نیز داشته و با دانشگاه « جورج واشنگتن » نیز همکاری دارد .  
دکتر « آراسته » بعنوان بنیانگذار تحلیل « روان - تمدنی » معتقد است که تجزیه و تحلیل کردار انسان از این دید برای مطالعه علمی کلیات رفتار آدمی ، يك امر ضروری است .  
مقاله زیر تجزیه و تحلیلی از حوادث انقلاب ایران است و نظریه تحلیل « روان - تمدنی » دکتر آراسته را در این زمینه نشان می دهد . » مکتب اسلام

\* \* \*

انقلاب آزادی و اسلامی ایران از دید نظریه‌های غربی که متکی بر قالبهای انسان عقلی قرن نوزدهم و انسان مادی قرن بیستم است قابل توجیه نیست .  
اصولاً ایران‌شناسان خارجی مخصوصاً آمریکائی و انگلیسی‌بالکوه‌های خاصی که مولود تمدن غرب است خود را مجهز می‌کنند و بعد به جوامع آسیائی و آفریقائی می‌روند و در آن جوامع ، بنا بر شایعه نه تحقیق ، چیزی می‌نویسند .

همین افراد چون میزانی برای خواندن آثار و علائم تمدنی و حرکات نامرئی تمدن دیگری ندارند از درک واقعیت اجتماعی آن مردم بدور می‌افتند ، از طرفی چون غرق در میزان‌های خیالی جامعه خود هستند و از مقدمات جامعه شامی غربی مدد می‌گیرند و نتیجه گیری می‌کنند که در فلان جامعه ، طبقه متوسط هنوز قدرت پیدا نکرده است و یا احزاب متشکل سیاسی ، هنوز بوجود نیامده ، پس خطر تغییرات انقلابی را نباید انتظار داشت .

« ریچارد کاتم » استاد پخش سیاست دانشگاه « پتسبورگ » که سرآمد اینگونه نویسندگان است و کتابی درباره ملیت در ایران نوشته است مثلاً يك كلمه در این کتاب از فعالیت «سیاه» در ایران در دوره سقوط مصدق نمی‌نویسد. گرچه نویسندگان اصیل دیگری مثل « پیتربلیون » در شرح زندگی « پرزیدنت آیزنهاور » به تفصیل از این موضوع بحث می‌کنند و آنرا یکی از بزرگترین جرائم سیاسی در تاریخ آمریکا می‌خوانند « کاتم » بعوض اینکه این عامل را تشریح کند و یا از محدودیت‌های اقتصادی که اروپا و آمریکا برای ایران پس از ملی کردن نفت بوجود آوردند صحبت کند بحث طبقه متوسط و سرانجام اختلافات گروهی را عامل مؤثر سقوط مصدق یا عدم موفقیت جنبش اصیل آزادی ایران می‌خواند و یا « جیزیل » استاد دانشگاه « تکزاس » که سالها مشاور دربار ایران بود گرچه علت اصلی را وجود دیکتاتوری دوره سیاه می‌داند ولی هیچ سخنی نمی‌گوید و در عوض تشکیلات شططی که آن دوره سیاه بوجود آورد و انقلاب سفید دوره دیکتاتوری را از اهم مطالب جنبش‌های ایران می‌خواند ، مابین عقاید مربوط به رشته‌های محدود علوم سیاسی غربی را در توجیه نه تنها تمدن و جامعه ایران بلکه در تفسیر همه جوامع ، نارسا می‌دانیم ، این نظریه ها حتی برای جامعه امروز غرب هم ناقص است .

از نظر ما ، نیروی ناخود آگاه عمومی زاده تمدن جوامع ، در تغییرات سیاسی و اجتماعی کشورهای اسلامی ، بیش از هر عاملی مؤثر بوده است و بنا بر همین اصل پیش بینی می‌کنیم که بیداری اصیل جوامع اسلامی در دو دهه آینده یکی از جنبش‌های جهانی را در جهان سوم بوجود خواهد آورد .

برخلاف این نوآموزان غربی مارکسیستها برخلاف آنچه می‌دانید جنبش‌های انقلابی را از طریق رشد وسائل تولید و اختلافات طبقاتی و بیگانگی کارگران ، از خود و جامعه و نفع - پرستی سرمایه داران و بی‌عدالتی اجتماعی را در توزیع تولیدات می‌دانند . همین گروه معتقدند

که تشکل کارگرو سرانجام طبقه معتبری در مقابل بورژوازی بوجود می آورد که موجب تغییرات اجتماعی می گردد. این نظریه هم مارا قانع نمی کند چه نه تنها دردوره بیداری قبل از جنبش تاریخی، چنین چیزی وجود ندارد بلکه گروههای بیدارتحت نیروی اختیار، می توانند عمل کنند و بهر جهتی پیش روند. اصولاً پیش از محرکهای مادی و اقتصادی ارزشهای دیگر وجود دارد که می تواند جامعه را به حرکت درآورد. انقلاب اخیر ایران از ارزش هائی خارج از سیستم اقتصادی الهام گرفت ارزش کلمه «الله اکبر» در این جنبش بسیار پر ارزش تر از ارزش مادیات بود.

این دو نظریه تغییرات اجتماعی يك پهلو هستند هر دو وجه مشترکشان عقل خشک است. عقل یکی از بهترین جنبه های وجودی انسان است ولی همه آن نیست، عقل زاده روابط انسانها و تمدن است ولی نیروی زیستی و وجودی، امری طبیعی است. این نظریه ها همچنین متکی بر نظریه نارسائی است که از زمان ارسطو مطرح شده است و آن اینکه انسان راحیوانی اجتماعی و سیاسی می خواند ما این دو پایه نظریه غرب را برای تحلیل تغییرات جوامع انسانی کافی نمی دانیم از نظر ما قبول فرضیه انسان محدود به تاریخ و اجتماع فرضیه ناقص و پراشتباهی است. انسان را باید از دید اولین بیداری او که قرن ها قبل از بروز تاریخ اتفاق افتاده است دید غرض از اولین بیداری زمانی است که انسان وحدت نا آگاهانه خود را باخت و از طبیعت جدا شد.

ایرانیانی که اشعار مولوی را درسر آغاز مثنوی بیاد دارند در فهم این سخن مشکلی ندارند غرض از بیداری اول؛ لحظه جدائی ماست آن لحظه ای که ما را از «نیستان» خاموشی و خوشی نا آگاهانه بریدند یا بعبارت دیگر وقتی که از بهشت بیرون افتادیم و بخود آمدیم و حال فراق، بما دست داد از آن لحظه فراق اگر انسان ماخانواده، گروه اجتماعی و جامعه تشکیل داده یا عاشق کار و آفرینندگی می شود و یا بت می سازد و بت شکن میشود تابه خدای واحد پی برد برای بازگشت بحال وحدت است.

طبق این نظریه جامع، انسان را باید از فرضیه (روان - تمدنی) مورد بررسی قرارداد و از ابتدا او را موجودی روانی و دینی شناخت چون بالنظره چنین است. نیروی گرداننده چرخ های تاریخ و اجتماع و فعالیت های تمدن و خلق از همین نقطه عطف که انسان را موجودی روحی کرد شروع می شود. اینک طبق این نظریه موضوع وحدت ملی ایران و انقلاب اسلامی اخیر را توجیه می کنیم.

بعضی از محققان غربی که بستگی بدان شگانهائی داشته اند که سالها میلیونها دلار از دولت های ارتجاعی پنجاه سال اخیر گرفته اند برای اینکه مقدمات اخذ بودجه بیشتری را فراهم کنند تاریخ ایران را از دید تصور شاهنشاهی قرون قبل از اسلام دیده اند و



اغلب نوشته‌های خود را صرف آن نموده‌اند که ثابت کنند که تصور شاهنشاهی که برای آن زمان لازم بود برای قرن بیستم هم لازم است!

اغلب این نویسندگان مثال می‌آورند که در دوره هخامنشی بیست و هشت اصل (ساترب) وجود داشته‌است و همین نحوه اداره، مستلزم تصور شاه شاهان بود این نظریه گرچه از لحاظ اداره امور دولت مرکزی هم وجود داشت دلیلی برای وحدت ملی بدست نمی‌دهد و پیرا اشتباه است.

اینگونه نویسندگان فرصت جویا برای دلخوشی دستگاه کتاب می‌نوشتند، یا ناآگاهانه تحت تأثیر تصورات غربی، باز عامل هستی بخش مردم و جامعه را وسائل فرمهای خارجی می‌دانستند.

برای توضیح بیشتر بد نیست حتی مثالی از دوران قدیم بیاوریم و تصور داریوش اول را بررسی کنیم یکی از سلاح‌های قدرت داریوش اول، تصور شاهنشاه بود! ولی این تصور نسبت به عوامل دیگر ناچیز بود. برای داریوش نیروی مهمتر از ارتش نیروی دین زردشت بود که آنرا برای تسخیر روحیه ایرانیان در همه مراسم بکار می‌برد و قدرت خود را مدیون آن می‌دانست همه جا خود را بانیروی خلاقه «اهورامزدا» یکی می‌کرد و خود را ضداهریمن معرفی می‌کرد به عبارت دیگر داریوش و اطرافیانش می‌دانستند که نیروی دینی و اثر وجدانی ناآگاهانه آن اگر بیاری نیروی جسمی و قدرت مرکزی نیاید اساس قدرتش درهم بریزد. علاوه بر این برای ملل تابعه غیر زردشتی، نابغه دوره سیاه از ساواک استفاده نمی‌کرد (گرچه جاسوسان تربیت شده داشت) بلکه از یکطرف سعی می‌کرد در قلب آنها از طریق شرکت مراسم دینی و تمدنی آنان شرکت کند، از طرف دیگر تصورات قدرت برترین را از طریق فعالیت‌های سالیانه مستحکم کند کسانی که حجارهای جلو پلکان تخت جمشید را تجزیه و تحلیل کرده‌اند می‌توانند به این گفته بهتر پی ببرند. گرچه داریوش تلویزیون و رادیو و دستگاه عظیم تبلیغات نداشت ولی نحوه تبلیغات عملی، بوجود آورده بود که ملل تابعه را جلب می‌کرد عکس این حال را در دوره قبل از حمله اسکندرویا قبل از ظهور اسلام در دوره یزدگرد سوم می‌بینیم.

نگارنده معتقد است که در دوره قبل از اسلام مانند سال گذشته در ایران مردم آماده بودند که خود را از دیکتاتوری فرسوده و بی‌حاصل داریوش سوم نجات دهند چه از دوره خسرو پرویز و حضرت محمد کم مردم بوجود اصول آزادی بخش و دموکراسی اسلام پی برده بودند. دین زرتشتی و دیکتاتوری شاهنشاهی هر دو در عمل قدرت درونی خود را باخته بودند و مردم آماده کسب آئین نوی بودند.



سید رضا عربی

## چگونه از مهاجرت کشاورزان جلوگیری کنیم

قابل توجه وزارت محترم کشاورزی جمهوری اسلامی

ارائه چند راه حل برای جلوگیری از مهاجرت کشاورزان به شهرها و علاقه مند ساختن آنان به امر تولیدات کشاورزی و تشویق شهروندان ب سرمایه گذاری و سکونت در دهات ضروری به نظر می رسد .

من به عنوان یک مأمور باز نشسته ی دولت که بیش از ۱۸ سال در سطح بخشها و روستاها با سمت بخشدار به میهن عزیزم خدمت کرده و به محرومیت های زارعین زحمتکش و علل و جهات مهاجرت آنان به شهرها و قوف کامل دارد . توجه وزارت محترم کشاورزی را به نکات زیر که شاید تاکنون چنین نظر و پیشنهادی از سوی کسی ارائه نشده است جلب می نماید . تا مورد بررسی و مطالعه آن وزارت محترم قرار گیرد .

۱ - نبودن وسائل آسایش :

۱ - در ادوار خدمتگزاری خود در گوشه و کنار در سطح بخشها و روستاها ، همواره شاهد و ناظر بوده ام که اکثریت محروم و مستضعف که آنان را «کشاورز» می گویند در بیغوله های گلی سلول مانند زندگی کرده . از نظر بهداشت و درمان بشدت در مضیقه بسر می برند اغلب بعلت عدم وجود بهداشت و درمان و بیمارستان در سطح بخشها نساچار

خانه و کاشانه خود را ترك و به شهرستانها مهاجرت می کنند زیرا هیچگونه تأمین جانی برای آنان و فرزندان آنان متصور نیست .

### ۲- عدم نظارت و کنترل دقیق :

۲- عامل اقتصادی دیگر که در مهاجرت آنان نقش مهم تری دارد . عدم نظارت و کنترل و بی تفاوتی مسئولین وزارت کشاورزی در استانها می باشد . که کوچکترین نقشی در حمایت و کنترل تولیدات کشاورزی در منطقه را ندارند . از باب نمونه یکسال کلیه کشاورزان يك استان و شهرستان تصمیم می گیرند سیب زمینی بکارند . و در نتیجه نرخ سیب زمینی بعلت عرضه زیاد و بی رویه بقدری پائین می آید که روی دست آژان مانده و زارع از هستی ساقط می شود سال دیگر همگی پیاز می کارند که آن هم مانند محصول اخیر الذکر نمیتواند در بازار جذب شود . و فاسد میشود و به زباله دانها ریخته میشود و باعث یأس و نومیدی این طبقه مولد ثروت را فراهم می آورد .

چنانچه کشاورزی هر منطقه نیاز ساکنین محل را به محصولات فوق الذکر و سایر نیازمندیهای کشاورزی قبلاً پیش بینی نمایند و با عقد قرارداد و پیش پرداخت نقدی محصولات آنان را خریداری کند بدیهی است زارعین به میزان معقول و مورد نیاز دولت تولید محصول نموده و با اعتقاد و اعتماد کامل به فعالیت خود ادامه خواهند داد . و حاصل زحمات آنان که در واقع سرمایه ی مملکت است از بین نمی رود .

### ۳- عدم هماهنگی در میان سازمانهای کشاورزی :

۳- بخش دیگر از علل مهاجرت زارعین عدم هماهنگی بین سازمانهای عریض و طویل کشاورزی و اداره کل تعاون و روستائی و سازمانهای مشابه دیگر می باشد که موجب سردرگمی و طولانی شدن امور و مسائل مربوط به کشاورزان می باشد که سیاست دوران طاغوتی است .

چنانچه این دستگاه يك کاسه شود و در يك دیگر ادغام گردد و بسیاری از مقررات زائد آن نیز حذف و سپس این سازمان عریض و طویل بصورت واحدهای کوچک و فنی مراکز بخشهای کشور (نه مراکز استانها و شهرستانها) مستقر گردد . بسیاری از مشکلات زارعین حل خواهد شد .

#### ۴- فقدان ابزار کشاورزی :

یکی دیگر از علل مهاجرت و کوچ زارعین این است که این طبقه مولد ثروت برای انجام هر کار کوچک اعم از تهیه ابزارآلات کشاورزی و مواد غذایی و پوشاکی ، یا در جهت تأمین وام از بانک کشاورزی یا تعمیر تراکتور و غیره ناچار به شهر میروند و اوقات گران قدر آنان بیهوده تلف میشود در نتیجه از حرفه فلاحت و زراعت خسته و فرسوده و ناتوان میشوند و به سوی عملگی و کارگری رومی آورند.

#### ۵- فقدان تعمیرگاههای مجهز :

چنانچه در مراکز بخشهای کشور وسائل رفاهی از قبیل : تأسیس فروشگاههای بزرگ - تعمیرگاههای تراکتور و اتومبیل - بیمارستان ، درمانگاه و زایشگاه - شعبه بانک کشاورزی - دادگاههای بخش - دفاتر ازدواج و طلاق و ثبت احوال و سازمانهای دیگر تأسیس گردد . موجب تشویق زارعین بسکونت در دهات گردیده و از مهاجرت خودداری خواهند نمود .

#### ۶- جاده سازی روستاها :

احداث راههای روستائی و تأسیس صنایع مربوط به مواد غذایی در مراکز بخشها و روستاها بخش دیگری است که حتی ساکنین شهرستانها را نیز تشویق به سرمایه گذاری و سکونت در دهات می نماید در پایان اضافه میکنم :

عرضه مصالح ساختمانی پیش ساخته و مناسب با وضع جغرافیائی منطقه بانازلترین بهاء و اقساط طویل المدت بکشاورزان و کسانی که داوطلب سکونت در دهات بشوند . احداث گرمابه های بهداشتی و تأمین برق دردهات وسیله دولت از محل عواید مصادره اموال غارتگران رژیم طاغوت .

انحلال دبیرستانهای فعلی (نظام طاغوتی) و ایجاد مدارس روستائی برای بالابردن سطح دانش فرزندان و سالمندان در امور فلاحت و دامداری و مبارزه با آفات و آموزش حرفه ای رانندگی تراکتور و تعمیرات و غیره .

۱۰ - به سربازان وظیفه اعزامی از دهات نیز در پادگانها تعلیمات رانندگی و تعمیرات تراکتور و مبارزه با آفات دامی و نباتی بدهند تا با عشق و علاقه بیشتر بعد از خاتمه خدمت به روستاها برگردند و مشغول امور فلاحتی گردند .

# ضرورت محدودیت در آزادی

## از نظر سلامت فرد

### حدود آزادی در تربیت

(۱۰)

علی قائمی



نه تنها کودک بلکه همه انسانهایی که در اجتماع زندگی می کنند باید به نسبتی ، تحت کنترل بوده و در بهره مندی از آزادی محدود باشند ، آزادی مطلق ، تنها از آن خدا است .

این محدودیت برای کودک و حفظ منافع او و رعایت رشد و شخصیت فردی و خانوادگی ضروری است ، اوج ندارد و نباید بهر جا که خواست برود ، هر چه را که هوس کرد بخورد بنوشد و بپوشد ، همانگونه که والدین او ، چنین حقی را ندارند .

### دلایل محدودیت

اینکه کودک را محدود می کنیم و اجازه اش نمی دهیم که در چارچوب دورک فهم خود ، حرکت و اقدامی کند بدلائل و علل زیر است :

۱ - تسلط غرائز: زندگی کودک بخصوص در سالهای اولیه تحت تأثیر شدید غرائز است . غرائز نیروهای مرموز ولی سرکش هستند که زندگی طفل را جهت می دهند . و چنانچه تحت کنترل و مهاردنیاید زمینه را برای تجاوز و شرارت طفل فراهم می آورند .

غرائز برای جلب لذت بوده ، دافع ضررمی باشد و معلوم نیست جلب هر گونه لذت و یا دفع هر ضرری بصلاح زندگی کودک باشد . چه بسیار که این نیرو ، او را بخود سری ، لجاجت ، و در نتیجه ویران کردن بنای حیات ظاهری و ویرانی شخصیت او بکشاند .

۲ - **کنجکاو** : کودک بطور فطری ، کنجکاو و دائماً در صدد یافتن است . کنجکاو و ماجراجویی گویانکه از یک دید ، زمینه را برای رشد فکری ، کسب آگاهی های لازم ، فراهم می کند ، ولی اگر آزادانه و بدون کنترل ، اعمال شود ممکن است موجب وارد آمدن صدماتی براو و دیگران گردد .

طفل دوست دارد هر چه را که در دوروبر خود می بیند دست کاری کند ، هر اراده ای که در او بوجود آمده آنرا به مرحله اجراء و عمل در آورد بدیهی است چنین وضع و فعالیتی در همه موارد ، بصلاح کودک نخواهد بود .

۳ - **پرتوقعی** : سنین اولیه زندگی کودک مواجه با پرتوقعی ، و اطمینان کاذب نسبت به خود است تصمیمات او اغلب نیندیشیده و گاهی نسبت به هم متضاد است در دنیای درون او تمایل شدید به آزادی های بی حد و حصر موجود است او می خواهد امتیازات مورد نظر را بهر گونه ای است بر آورده سازد .

چه بسیار توقعات و خواسته ها که اگر بر آورده شوند موجب لطمه ای برای او خواهند شد . و نیز چه بسیار تصمیماتی که اگر آزادانه اتخاذ و بموقع اجراء گذارده شود برای طفل زیان بخش است .

### ضرورت محدودیت :

بر این اساس که تصویر شد محدودیت کودک در بهره مندی از آزادی ، امری ضروری و عاقلانه است او را نباید بخود واگذار کرد که با استفاده از عقل خویش به تصمیم گیری - بپردازد ، از آن بابت که پیش از رشد عقل . غرائز در وجودش متمرکز بوده اند و انگهی نتیجه گیری های کودک در زندگی بر اساس مقدماتی است که اغلب اشتباه است او تحت تأثیر شهوت ، غضب ، عادات غلط دوران کودکی تحت تأثیر شرایط سنی محدود ، معلومات و تجارب محدود تراست . او را نمی توان آزاد گذارد که بر اساس فهم و خرد خود تلاش کند و به پیش برود . با توجه به جنبه های فوق و نیز عدم احساس مسئولیت ، ضعف اراده ، عدم ثبات شخصیت ، تمایلات بی حساب عدم آگاهی از دلایل انجام يك فعالیت ضروری است عقل منفصلی با او همراه بوده ، حرکات و تلاشهایش را تحت کنترل و نظم در آورد . و این همان ضرورتی است که ما برای محدودیت طفل ذکر می کنیم علاوه بر موارد فوق ، کودک در



بهره‌مندی از آزادی در موارد ذیل محدودیت دارد بجهت زیر :

### حفظ سلامت جسم کودک : کودک در جنبه آزادی خواهی برای خود حدومرزی

قائل نیست . او می‌خواهد در وسط خیابان ، بدون توجه به اتومبیل‌های در حال رفت و آمد دوچرخه سواری ، قایم موشک ، توپ بازی و . . . کند و چه بسیار که این بازی‌ها برای او خطرناک است . و یا کودک هوس می‌کند آزادانه از درختی بالا رود و بر روی شاخه‌ای بنشیند. در چنین صورت‌هایی اگر بخواهیم با او از در مسامحه در آئیم ، خواست او را تحت کنترل نیاورده و یا بگونه‌ای آن را جهت ندهیم ، برای او خطر جسمی دارد و ممکن است به نقص عضو و حتی مرگ او منجر گردد .

### ۲ - حفظ سلامت روان : آزادگذاشتن کودک در انجام يك عمل ، گاهی دوران

عقل و احتیاط است از آن بابت که ممکن است اقدام ، به عملی کند که عاقبت آن پاس، سرخوردگی و سرشکستگی باشد .

کودکی که غرورش بیک باره شکسته شود دیگر بسادگی نمی‌تواند بپاخیزد و ابراز وجود کند شکست روانی فساد در شخصیت غیر از بیک بیماری جسمی است که با اندک دارویی درمان گردد .

ضمناً فراموش نکنیم که آزادی‌های بی بندوبار گاهی پای کودک را به اماکن و باب معاشرت او را با افرادی بازمی‌کنند که نه خود شخصیتی دارند و نه حاضرند شخصیت فردی و یا خانوادگی دیگران را بحساب آورند. می‌دانیم سوءاستفاده‌ها ؛ بهره‌گیری‌های نامشروع از طفل چه عوآتبی برای حال و آینده طفل دارد .

### ۳ - برای حفظ زندگی آینده : کودک برای زندگی آینده خود ، بخصوص

در اجتماع ، نیازمند به تملک نفس ، گذشت از برخی منافع ، پذیرش بخشی از زیانها جهت فرار از زیانهای بزرگتر است ، او ناگزیر است ساعات معینی از روز کار کند ، ساعاتی را بخواهد بیدار باشد ، بسرووضع خود برسد ، رعایت حال دیگران کند و . . . این مسائل نیاز به تمرین و ممارست دارند. عبارت دیگر او در دوران کودکی باید مزه برخی از محرومیت‌ها، کنترل‌ها ، فشارها را بچشد و به آن عادت کند و گرنه همه مقررات اجتماعی را نمی‌توان یکباره و یک روزه براو تحمیل کرد .

طفل باید از همان کودکی عادت کند که از بخشی از خواسته‌های خود صرف‌نظر نماید ، به هر جایی که خواست و هوس نمود نرود ، از هر چه که خوشش می‌آید پیروی نکند ، خوبشتن دار باشد ، در حدود استطاعت خود ؛ متحمل و صبور باشد و . . . این جنبه‌ها خود ضرورت محدودیت در آزادی را نشان می‌دهند .



### وظیفه پدر و مادر

بهمانگونه که درباره آزادی اندیشه می شود درباره هرگونه محدودیت نیز باید اندیشه شود که برای کودک چه فایده ای دارد و طفل در حال آینه در مورد جسم یا روان چه سودی از آن می برد .

اینکه می گوئیم والدین باید کودک را تحت کنترل داشته باشند بحقیقت ناشی از مسئولیت آنهاست . والدین مسئول و متعهدند که سلامت جسمی و روانی کودک را حفظ کرده برای رشد همه جانبه اقدام نمایند این تعهد و مسئولیت ایجاب می کند که او را تحت کنترل داشته ، روش خود را با عقل و دانش همراه سازند .

این محدودیت نه تنها لطمه ای بر کودک وارد نمی آورد بلکه او را پاکتر و مهذبتر ساخته ، زمینه را برای رشد او و جهت دادن او بسوی يك زندگی ثمربخش فراهم می نماید .

### کنترل در چه سنین ؟

میزان استقلال عمل کودک در مراحل مختلف سنی باید فرق کند و البته در هر سنی باید روشن باشد که او تا چه مقدار آزادی خواهد داشت حساس ترین مرحله برای محدود کردن کودک البته به تناسب سنی از حدود چهار ماهگی است که کودک مفهوم لبخند و ترشروئی مادر را تا حدودی درک می کند .

دینیار : نظر تمام ...

البته ناگفته پیداست این رنگ ضعیف و مختصر به آن حدیست که یکی از مزدوران استعمار بگوید : « دینی که از فاتحین عرب به ایرانیان رسید ، در اینجا رنگ و روی ایرانی گرفته ، تشیع خوانده شد و از مذهب اهل سنت امتیاز یافت » (۱۶) زیرا بطوری که در جای خود ثابت شده « تشیع » مغز و حقیقت اسلام است و پایه گذار آن شخص رسول اکرم (ص) می باشد .

کوتاه سخن آنکه می توان گفت ؛ اسلام بعد از دوران خلافت اسلامی ، در اثر بروز تمهبات قومی و نژادی در میان مسلمانان ، دیگر روی يك حکومت و دولت واحد را بخود نهد ، اختلافات جغرافیائی ، ملی سنتی و فرهنگی ، میان پیروان اسلام که از « مراکش » در آفریقای شمالی تا « مالایا » و چین ، در عرضی پهنای زندگی می کنند ، همواره مانع بزرگی برای تشکیل يك دولت اسلامی و با دست کم ، همکاری سیاسی میان ملل اسلامی بوده و هست .

۱۶ - مزدینا و تاثیر آن در ادبیات فارسی ، دیباچه صفحه هفدهم از پورداود